درمکتب امام

چاقوکش‌های بین‌المللی

بالاخره مسلمین باید خودشان فکری بکنند، بیدار بشوند و الّا این‌ها [ابرقدرت‌ها] چاقوکش بین‌المللی هستند و نمی گذارند دنیا آرام باشد مگر اینکه مردم خودشان، مظلومین خودشان به فکر خودشان باشند، مظلومین جهان خودشان به فکر خودشان باشند.

صحیفه امام؛ ج۱۸؛ ص۲۴۰ | جماران؛ ۱۶ آذر ۱۳۶۲

سالگرد قرارداد رویتر و فروش ایران به انگلیس

برای شاه جز باد هوا چیزی باقی نگذاشته‌اند

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... افشای مفاد امتیازنامه (رویتر) اروپا را تکان داد. تی یر، سیاستمدار فرانسوی اظهار کرد برای شاه، جز باد هوا چیزی باقی نگذاشته‌اند!!...» [1]

این جمله سر دنیس رایت، نخستین سفیر انگلیس در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد درباره امضای قرارداد رویتر بود که در کتاب معروف خود به نام «انگلیسیان در ایران» آورد.

قرارداد رویتر وقتی ناصرالدین شاه قاجار در جمادی الاول ۱۲۸۹ قمری مقارن با جولای ۱۸۷۲ میلادی و مرداد ۱۲۵۱ شمسی، برای نخستین‌بار به اروپا سفر کرد، به تشویق صدراعظمش، میرزا حسین‌خان سپهسالار و معاونت وزیر امور خارجه وقت میرزا ملکم‌خان با بارون ژولیوس دو رویتر یهودی انگلیسی بسته شد.

واگذاری همه منابع زیرزمینی و روزمینی به بیگانه

ظاهرا موضوع قرارداد رویتر، ایجاد راه‌آهن از خلیج‌فارس تا دریای خزر بود، اما طی این قرارداد، ایران متعهد شد که کلیه اراضی و مصالح مورد نیاز، انحصار بهره‌برداری از معادن زغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و جنگل‌ها و آب‌های ایران را به رویتر واگذار نماید. همچنین اجاره گمرکات ایران به مدت ۲۵ سال و امتیاز بانک و مؤسسات اعتباری نیز به آن اضافه شد به علاوه امتیاز توزیع گاز، زیباسازی شهر تهران، ایجاد راهها، تلگرافخانه‌ها و...دهها امتیاز دیگر به رویتر واگذار شد! [2]

در همان زمان بسیاری از کارشناسان و دیپلمات‌های خارجی در شگفت بودند که چگونه ممکن است یک پادشاه این‌گونه اختیار کشورش را در مقابل هیچ، به یک بیگانه واگذار کند. لرد کرزن (دیپلمات آن روز و صدراعظم آینده انگلیس) در کتاب خود به نام «ایران و مسئله ایران» نوشت:

«... وقتی امتیاز رویتر منتشر گشت مندرجات آن حاکی از تسلیم کامل و خارق‌العاده کلیه منابع صنعتی کشور به بیگانگان بود و این کاری بود که هیچگاه در تاریخ سابقه نداشته و حتی شاید خواب آن را هم کسی نمی‌دیده است...» [3]

هنری راولینسون سرگرد انگلیسی و از شرق‌شناسانی که ترجمه برخی زبان‌ها و خطوط باستانی را منتسب به وی می‌دانند، در کتاب «انگلیس و روسیه در شرق» نوشت:

«... این امتیاز که آن را بزرگ‌ترین خیانت میرزا حسین‌خان سپهسالار نخست‌وزیر ناصرالدین‌شاه می‌دانند، همه زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان را برای مدت هفتاد سال در اختیار دولت انگیس قرار داد...» [4]

فروش ایران توسط پدران شبه روشنفکری امروز

و نکته جالب اینکه باعث و بانی تهیه و امضای این قرارداد ننگین (که آن را در مقابل ۱۰۰هزار لیره باج به شاه ایران تحمیل کردند)، ۲ تن از شبه روشنفکران تاریخ معاصر ایران بودند که همین امروز نیز مورد تقدیس و تجلیل شبه روشنفکران نوکیسه قرار دارند!!

اول؛ میرزا حسین‌خان سپهسالار (که به کمک مانکجیهاتریا از فراماسون‌های نشاندار انگلیسی، اولین دولت فراماسون را در ایران تشکیل داد) و دوران صدارتش توسط فریدون آدمیت (یکی دیگر از نویسندگان مورد وثوق جریان شبه روشنفکری)، حکومت قانون و ترقی خوانده شد!! و بارها و بارها در نشریات امروز این جریان هم مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است.

و دوم؛ میرزا ملکم‌خان که در اغلب نشریات به اصطلاح روشنفکری و اصلاح‌طلب، پدر جریان اصلاح‌طلبی لقب داده شده و بارها و بارها به مناسبت‌های مختلف در این نشریات مورد تقدیر و ستایش واقع شده است.

همین میرزا ملکم‌خان است که نخستین لژ فراماسونری را در ایران تحت عنوان «فراموشخانه» به وجود آورد و در سفر دوم شاه در مسئله امتیاز لاتاری با گرفتن چهل هزار لیره و تقسیم آن بین شاه و اطرافیانش، «اسباب آن را فراهم آورد.» [5]

تنها مردان میدان استقلال و آزادگی

اما بازهم تنها قشری که در مقابل این وطن‌فروشی تاریخی ایستاد، روحانیت و علما بودند. حاج ملا علی کنی از علمای بزرگ تهران و معروف به رئیس‌المجتهدین و از شاگردان «صاحب جواهر» در مقابل قرارداد رویتر اعتراض کرد و همراه گروهی از علما به دشمنی با میرزا حسین‌خان سپهسالار برخاست و وی را بی‌دین خواند. نامه‌های متعدد به ناصرالدین شاه نوشت و لغو قرارداد ننگین رویتر را خواستار شد. [6] احمد کسروی در جلد اول «تاریخ مشروطه ایران» می‌نویسد:

«...نامه‌هایی به ناصرالدین شاه نوشتند که سپهسالار را با خود به تهران نیاورد. این نامه در رشت به دست شاه رسید و چون ملایان در آن زمان بسیار نیرومند بودند، شاه ناگزیر شد حکمرانی گیلان را به سپهسالار بدهد. او را در آنجا گذاشت و خود، بی‌او به تهران آمد...» [7]

قرارداد رویتر به همت علما و روحانیت لغو شد و یک بار دیگر حضور روحانیون شجاع و آگاه در عرصه سیاسی اجتماعی تاریخ معاصر ایران باعث شد تا کیان و عزت و همچنین منابع و منافع آن از گزند مطامع بیگانگان دور بماند. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در کتاب «چهل سال تاریخ ایران» (المآثر و الآثار) از قول بنجامین اولین سفیر آمریکا در عهد ناصری در ایران، در کتاب «سفرنامه بنجامین»، درباره حاج ملا علی کنی نوشته است:

«...حاج ملا علی کنی مردی مسن، محترم، باوقار و هیبت است ولی به رغم مقام و موقعیت خود، زندگی مجلّل و باشکوهی ندارد و خیلی ساده و معمولی به سر می‌برد. با آنکه املاک و دارایی هم دارد مع هذا درصدد نمایش دادن آنها نیست و در کمال سادگی زندگی می‌کند. موقعی که از منزل خارج می‌شود، فقط سوار یک قاطر سفید رنگ می‌گردد و یک نفر نوکر همراه اوست ولی مردم وقتی از آمدن او مطلع می‌شوند از هر طرف نزد وی می‌آیند و مانند یک موجود فوق طبیعی از این روحانی استقبال می‌کنند. یک اشاره از طرف او کافی است که شاه را از تخت سلطنت به زیر آورد... سربازان گارد محافظ سفارت آمریکا در تهران به من می‌گفتند، با آنکه از طرف شاه مامور حفاظت جان من و اعضای سفارت شده‌اند اگر حاج ملا علی کنی به آنها دستور دهد، بدون درنگ من و دیگر اعضای سفارت را خواهند کشت. خوشبختانه مردی که این همه قدرت و نفوذ کلام دارد، کسی است که خیلی رئوف و مهربان و ملایم است و هیچ وقت دستورات شدیدی صادر نمی‌کند...» [8]

سیره روحانیت مبارز در دویست سال اخیر

نگاهی اجمالی به تاریخ حداقل ۲۰۰ سال اخیر نشان می‌دهد که روحانیون و علمای اسلام همواره در صف مقدم مبارزه با استعماگران و اشغالگران و متجاوزین به خاک ایران قرار داشتند، اگرچه همواره متهم بودند که دفاع از وطن و کشور و مرز و بوم را درجه دوم تلقی نموده و اصل را حراست از دین و مذهب برمی‌شمردند اما از آنجا که ایران را کشور صاحب‌الزمان(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) و ام‌القرای جهان اسلام محسوب کرده و می‌کنند، دفاع و نگهبانی از خاک و مرزهای آن را حراست از دین و اسلام به شمار آورده و می‌آوردند.

تا همین امروز و طی حوادثی که طی یک سال اخیر بر این کشور رفت، بازهم روحانیت و مرجعیت در صدر دفاع از ایران قرار گرفت، چنان‌که امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای طی ۳۷ سال ولایت خویش، آنچنان این ملت و کشور را رهبری کردند که علی‌رغم تحمل شدیدترین تحریم‌های به قول خود غربی‌ها فلج‌کننده، ایران به جایی رسید که حتی در سخت‌ترین دورانش، برای اولین بار در مقابل قلدرترین شیاطین عصر و زمان خود ایستاد و مقاومت کرد و آنها را به حقارت کشاند. و از همین روی رهبر شهید را ایرانی‌ترین ایرانی تاریخ خواندند.

چو ایران نباشد تن من مباد؟!

اما آنان که همواره ادعای یقه چاک دادن برای وطن داشتند و با شعار «چو ایران نباشد، تن من مباد» گوش فلک را کر می‌کردند، بنا به کارنامه سیاه خود که تقریبا در هیچ‌یک از آوردگاه‌ها و میادین نبرد با اشغالگران و متجاوزین و استعمارگران حضور نداشته و به بهانه تجدد و تمدن و پیشرفت، اگر دست همکاری با آن اشغالگران نداده و عمله استعمار نشدند، به احتمال زیاد در پستوها و گوشه‌های عزلت، پنهان گردیدند، این بار نیز در دشوارترین و خونین‌ترین روزهای این سرزمین، بازهم برای قوای بیگانه هلهله کشیدند یا سکوت مرگبار گورستانی پیشه کرده و منتظر تغییر اوضاع ماندند و یا کر و کور و لال اساسا تجاوز نظامی دشمن و کشتار هموطنانشان را نفهمیدند!

درست مانند دوران جنگ‌های ایران و روس که طرف روس‌ها بودند و همدل با انعقاد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و در روزگار جنگ اول جهانی و هجوم ارتش بریتانیا به خاک میهن و اشغال جنوب، باز همدست و همراه و همدل با متجاوزین بودند تا برکشیدن مزدور دست‌نشاندهایی همچون رضاخان که به نام دیکتاتوری منور در کنارش قرار گرفتند تا پهلوی دوم و طرح‌های استعماری‌اش مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه و قانون حقارت‌بار کاپیتولاسیون و... که به نام ترقی‌خواهی و مدرنیسم حامی‌اش شدند.

در روزهای انقلاب هم اساسا نفهمیدند، چه زمانی انقلاب اوج گرفت و چه وقت پیروز شد! فقط گوش به دهان رسانه‌های بیگانه، لاطائلات آنها را بلغور می‌کردند تا روزهای تجزیه‌طلبی و کودتا و ترور و جنگ تحمیلی و... که همواره در مقابل انقلاب و مردم قرار داشتند.

درست مثل امروز که انگار طلسم شده‌اند و اصلا نمی‌توانند از مظلومیت شهدای میناب و لامرد و ناو دنا و فرماندهان و دانشمندان و مردم مظلوم و... کمترین چیزی بگویند اگرچه همه دنیا به نوعی تکلیف خود را با این فجایع روشن کرده‌اند اما این جماعت انگار خشکشان زده، به قول امروزی‌ها هنگ کرده‌اند، انگار از ته خط هم رد شده‌اند!!

۱- انگلیسیان در ایران- دنیس رایت- ترجمه غلامحسین صدری افشار- صفحه ۱۰۱
۲ - خاطرات سیاسی امین‌الدوله- ص ۲۲ تا ۳۴
۳- مصطفی فاتح- پنجاه سال نفت ایران- صفحه ۲۴۵
۴- Henry Rawlinson: England and Russia in the East. Reprint of ۱۸۷۵ Adamant Media Coorporation,
۵- محمد خاتمی- فراماسونری- انتشارات کتاب صبح- چاپ اول، ۱۳۸۰
۶ - روح‌الله حسینیان- چهارده قرن تلاش شیعه- صفحه‌های ۲۰۶-۲۵۱
۷ - احمد کسروی- تاریخ مشروطه ایران- جلد ۱- تهران- امیرکبیر- ۱۳۵۷- صفحه ۱۰
۸- ایران و ایرانیان- سامونل گرین ویلر بنجامین- صفحه ۴۹۹

گزارش روز یکصد و پنجاه و دوم جنگ

ایران به کشورهای منطقه نشان داد بهای میزبانی از آمریکا سنگین است

حمله پیش‌دستانه ایران به پایگاه نظامیان آمریکایی در اردن پیامی به آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش بود که بدانند در این جنگ وجودی تا نابودی کامل باند اپستین؛ رژیم تروریست آمریکا و اسرائیل و پادشاهی‌های فاسد منطقه، دست از جنگ برنمی‌داریم.

روز یکصد و پنجاه و دوم از جنگ با یک شگفتانه آغاز شد. در حالی که آرامشی شکننده بر میدان جنگ حاکم بود؛ ایران در اقدامی پیشدستانه به پایگاه نظامیان آمریکایی در اردن حمله کرد. حمله‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا و سنتکام آن را «غافلگیرکننده» خواندند.

محاصره دریایی یک اقدام نظامی است و رهبری ایران آن را بدون پاسخ نمی‌گذارد

همین حمله جسورانه و تحسین‌برانگیز نیروهای مسلح ایران موضوع رسانه‌ها و تحلیل‌گران بین‌المللی قرار گرفت. «دنی سیترینوویچ» رئیس سابق میز ایران در سازمان اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی(امان) از جمله کسانی بود که به تحلیل این حمله پرداخت. از نظر او رهبری کنونی ایران مصمم است به‌جای صرفاً واکنش نشان دادن به تصمیم‌های واشنگتن، روند رویارویی را تعیین کند. تهران می‌خواهد نشان دهد که همچنان ابتکار عمل را در اختیار دارد و می‌تواند تشدید تنش را بر اساس شرایط خود شکل دهد.

سیترینوویچ در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از دیدگاه ایران، محاصره دریایی یک اقدام جنگی است و برخلاف بحران‌های پیشین، رهبری کنونی حاضر نیست محدودیت‌های اعمال‌شده بر دسترسی دریایی خود را بدون پاسخ نظامی بپذیرد.»

هدف حملات ایران، فهماندن بهای میزبانی از آمریکا به کشورهای منطقه است

«رام مانوئل» یکی از مقامات ارشد کاخ سفید در دولت اوباما نیز طی مصاحبه با شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان به بررسی حمله غافلگیرکننده ایران به پایگاه آمریکا در اردن پرداخت. «مانوئل» پرسش مجری سی‌ان‌ان را که گفت: «واکنش شما به آنچه که سنتکام یک «حمله غافلگیرانه» از سوی ایران توصیف کرد، چیست؟» این‌طور پاسخ داد: «ایران می‌خواهد همه متحدان آمریکا در منطقه، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، بابت میزبانی از ایالات متحده هزینه بپردازند. هدف بلندمدت ایران همواره، از زمان انقلاب، بیرون راندن آمریکا از منطقه خلیج‌فارس بوده است. بنابراین، وقتی این تحولات را در این چارچوب در نظر بگیرید، برای من تعجب‌آور نیست که درست در روزی که نخست‌وزیر اسرائیل در دفتر بیضی کاخ سفید حضور دارد، ایران دست به چنین اقدامی بزند.»

هشدار فرمانده سنتکام نسبت به درز اطلاعات نظامی

حملات ایران به اردن نه فقط در شب گذشته بلکه در طول دور جدید جنگ باعث غافلگیری مقامات آمریکایی شده است. پیشتر رسانه‌های آمریکایی از دقت و قدرت حملات ایران گزارش‌های متعددی منتشر کرده بودند اما شاید درز اطلاعات و تصاویر از سربازان آمریکایی مستقر در اردن را نشانه دیگر این غافلگیری بتوان برشمرد.

نیروهای تروریستی ارتش آمریکا در غرب آسیا (سنتکام) پروتکل‌های سختگیرانه‌ای برای تصویربرداری از محل اقامت خود و ادوات و تجهیزات پایگاه‌های آمریکا دارند. آنها این پروتکل را در دور قبلی جنگ که اهداف ایران بیشتر شامل کشورهای میزبان آمریکا در حاشیه خلیج‌فارس می‌شد، کاملاً رعایت کرده و به سختی تصاویری از نظامیان آمریکایی منتشر می‌شد. اما در دور جدید که پایگاه‌های آمریکا در اردن به بانک اهداف ایران اضافه شد ظاهراً نظامیان آمریکایی مستقر در اردن آن‌قدر از حملات ایران غافلگیر شده‌اند که پروتکل یاد شده را به فراموشی سپرده و به انتشار تصاویر و فیلم‌های لحظه اصابت موشک‌های ایران پرداخته‌اند.

این اتفاق واکنش «برد کوپر» فرمانده نیروهای تروریستی سنتکام را در پی داشت. «کوپر» به نیروهایش هشدار داده است که ویدئوهای ضبط‌شده با تلفن همراه و پست‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به ایران کمک کنند تا میزان اثربخشی حملات خود به پایگاه‌های آمریکا را ارزیابی کند.

بر اساس هشدار فرمانده سنتکام که خبرگزاری آمریکایی رویترز آن را فاش کرده است، عکس‌ها، ویدئوها و گزارش‌های خبری می‌توانند اطلاعاتی تقریباً لحظه‌ای درباره میزان خسارات ناشی از حملات در اختیار ایران قرار دهند و این امر می‌تواند امکان برنامه‌ریزی و اجرای حملات بعدی را با دقت و اثربخشی بیشتر فراهم کند.

به همین منظور برخی از نیروهای آمریکایی مستقر در اردن از هم‌اکنون مطلع شده‌اند که تلفن‌های همراهشان طی روزهای آینده ضبط خواهد شد و فرماندهی سنتکام نیز در حال بررسی اجرای سیاستی گسترده‌تر در سراسر منطقه به‌منظور حفظ امنیت عملیاتی است.

«کوپر» همچنین به ویدئویی که با عینک هوشمند Meta هنگام حمله ایران به پایگاه هوائی موفق السلطی در اردن ضبط شده بود، اشاره کرده و آن را نمونه‌ای از این دانست که چگونه انتشار عمومی چنین تصاویر و ویدئوهایی می‌تواند اطلاعات حساس درباره عملیات نظامی آمریکا را آشکار کند.

عربستان با طناب آمریکا به چاه افتاد

در روز صد و پنجاه و دوم جنگ، عربستان سعودی در کنار ارباب آمریکایی‌اش به پایگاه‌های الحشدالشعبی در عراق حمله کرد تا با طناب ترامپ به قعر چاه فرو رود. اقدام احمقانه رژیم سعودی که البته چاره‌ای جز اجرای آن به دستور آمریکا را نداشت در حالی رخ داد که این کشور می‌کوشید خود را از جنگ منطقه‌ای دور نگه دارد. در همین زمینه شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان در گزارشی بر روی وبسایت خود نوشت: «عربستان سعودی در حال کشیده شدن به جنگی است که با تمام توان کوشیده از آن اجتناب کند.» این رسانه در ادامه گزارش خود به وضعیت شکننده عربستان اشاره کرده و آورده است: «همزمان، اختلال در مسیرهای صادرات نفت از باب‌المندب، آسیب‌پذیری تأسیسات انرژی و ثبت بزرگ‌ترین کسری فصلی عربستان از ۲۰۱۸، فشارها بر این پادشاهی را تشدید کرده است.»

شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان البته به این نکته اشاره نکرده است که وقتی عربستان خاک، آب و آسمان خود را در اختیار نیروهای ارتش تروریستی آمریکا برای حمله به ایران و یمن قرار می‌داد؛ پیش از همه خود را به جنگ وارد کرده بود و اکنون نیز نباید انتظار داشته باشد علی‌رغم میزبانی از تروریست‌های آمریکایی آتش جنگ دامن‌گیرش نشود.

ورود رژیم سعودی به عنوان نیروی نیابتی آمریکا به جنگ یک پیام دیگر هم دارد و آن درماندگی ارتش تروریستی آمریکا است. در حالی که در دوره‌های قبلی جنگ سنتکام به تنهائی وارد عمل شده و مدعی حمله به مقاومت اسلامی عراق می‌شد؛ این بار آمریکا ظاهرا آن‌قدر در توان نظامی فرسوده و ناتوان شده که رژیم سعودی را به میدان آورده تا به او کمک کند.

یک مقام دیگر دولت ترامپ در اعتراض به سیاست‌های آمریکا استعفا کرد

اوضاع دولت آمریکا نه تنها در خارج از آمریکا و در میدان جنگ که در داخل آمریکا هم چندان مساعد نیست.

روز گذشته یکی دیگر از مقامات امنیتی دولت ترامپ که از منتقدان جنگ به حساب می‌آمد استعفا داد. «مارک روزنبلوم»، از مدیران باسابقه وزارت امنیت داخلی آمریکا و رئیس بخش تحلیل داده این وزارتخانه بود. «روزنبلوم» در پیامی که در شبکه اجتماعی لینکدین منتشر کرد، گفت از پایان همکاری با دولت ترامپ «خوشحال» است.

او سیاست‌های دولت آمریکا را «جنگ علیه مهاجران»، «جنگ علیه کارکنان دولت» و «جنگ علیه حقیقت» توصیف کرد و همچنین از آنچه «فساد آشکار» و «جنگ دیوانه‌وار با ایران» خواند، انتقاد کرد. این مقام باسابقه نوشت که با وجود علاقه به ادامه خدمت عمومی، شرایط کنونی او را به این نتیجه رسانده که زمان ایجاد تغییر فرا رسیده است.

پیش از او «جو کنت» رئیس سابق مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا نیز در اعتراض به جنگ دولت آمریکا علیه ایران استعفا کرده و به انتقاد از دولت ترامپ پرداخته بود.

ایران با تولید داخلی تحریم‌ها را کنار زده است

تاب‌آوری ایران پس از پنج ماه جنگ و علی‌رغم تحریم‌های آمریکا سوژه اظهارنظر جدید «فرید زکریا» مجری سرشناس آمریکایی شد. او دلیل تاب‌آوری اقتصادی ایران را انعطاف‌پذیری اقتصاد، مرزهای آبی و خاکی گسترده و تنوع صنایع توصیف کرد و نوشت: «ایران یکی از متنوع‌ترین اقتصادهای صنعتی فعال در منطقه را دارد. ایران هفت همسایه دارد و می‌تواند به راحتی به فراتر از مرزهای خود تجارت کند. ایران همچنین بندرهای متعددی دارد که برخی از آنها حتی در طول جنگ فعال بودند. ایران غیر از نفت صادرات دیگری هم دارد؛ صنایع پررونق مانند استیل، پتروشیمی، فولاد و محصولات غذایی تقویت شده است. ایران با تولید بیشتر، تحریم‌های بین‌المللی را کنار زده است، ازجمله در صنعت خودرو و محصولات دارویی. اگرچه بسیاری از این تولیدات در جهان غیر قابل رقابت هستند، ایران توانسته است نیاز شهروندان خود را برآورده کند.»

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل:

اقدامات مستمر آمریکا تهدیدی برای امنیت تنگه هرمز است

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل در نشست شورای امنیت اقدامات گفت: تمامی اقدامات ایران ماهیتی دفاعی، ضروری و منطبق با حقوق بین‌الملل دارد. ریشه‌های وضعیت فعلی روشن است: اقدامات غیرقانونی مستمر ایالات متحده تهدیدی جدی برای ثبات منطقه‌ای، آزادی دریانوردی و امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز است.

غلامحسین درزی، معاون نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل روز سه‌شنبه به وقت محلی در نشست شورای امنیت در مورد وضعیت خاورمیانه در سخنانی گفت: علی‌رغم آتش‌بس اعلام‌شده، غزه همچنان ویران و تحت محاصره باقی مانده است. رژیم اشغالگر اسرائیل همچنان از طریق حملات نظامی مستمر و محدودیت‌های شدید بر دسترسی‌های بشردوستانه، به نقض آتش‌بس ادامه می‌دهد.

وی با بیان اینکه این اقدامات، رنج غیرنظامیان را بیش از پیش تشدید می‌کند، اظهار داشت: همزمان، رژیم اسرائیل به گسترش غیرقانونی شهرک‌سازی‌های خود در کرانه باختری اشغالی ادامه می‌دهد که نقض آشکار حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مرتبط سازمان ملل متحد است.

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل ادامه داد: اقدامات مکرر تجاوزکارانه اسرائیل علیه لبنان و ادامه نقض حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه، بیش از پیش صلح و امنیت منطقه‌ای را تهدید می‌کند و تداوم اقدامات غیرقانونی رژیم اسرائیل تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

درزی تصریح کرد: در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر تاکید می‌کند که هرگونه راه‌حل معتبر باید تضمین‌کننده آتش‌بس دائمی، دسترسی بدون مانع به کمک‌های بشردوستانه، خروج کامل نیروهای اشغالگر اسرائیلی و عضویت کامل دولت فلسطین در سازمان ملل متحد باشد.

وی با بیان اینکه کمک‌های بشردوستانه و بازسازی غزه هرگز نباید مشروط به اهداف سیاسی یا نظامی شود، گفت: پاسخگویی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. رژیم اسرائیل، به همراه کسانی که این رژیم را از طریق حمایت سیاسی، نظامی یا اقتصادی، قادر به جنایات فجیع خود می‌کنند، باید به دلیل نقض فاحش قوانین بین‌المللی بشردوستانه مسئول شناخته شوند.

سفیر و معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل اشاره کرد: صدور حکم بازداشت توسط دیوان کیفری بین‌المللی در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ علیه نخست‌وزیر جنایتکار رژیم اسرائیل به دلیل ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، یادآوری روشنی است که هیچ کس فراتر از قوانین بین‌المللی نیست.

این دیپلمات ایرانی در نشست شورای امنیت همچنین در پاسخ به اتهامات بی‌اساس نماینده آمریکا در این نشست اذعان داشت: قاطعانه تمام این اتهامات بی‌اساس و با انگیزه سیاسی را رد می‌کنم.

وی افزود: نماینده ایالات متحده بار دیگر در تلاشی مذبوحانه برای توجیه اقدامات تجاوزکارانه غیرقانونی ایالات متحده علیه ایران، به دروغ، اطلاعات نادرست و کارزار تحریف متوسل شده است.

درزی تاکید کرد: این ادعاها بخشی از سیاست خصمانه دیرینه ایالات متحده و رژیم اسرائیل علیه ایران است که برای پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی خود، پنهان کردن اقدامات غیرقانونی و فعالیت‌های بدخواهانه خود در منطقه و توجیه «حضور نظامی بی‌ثبات‌کننده» ایالات متحده در منطقه دنبال می‌شود.

سفیر و معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل ادامه داد: با این حال، واقعیت‌ها روشن و غیرقابل انکار هستند: ایالات متحده متجاوز است. ایالات متحده با اقدامات تجاوزکارانه خود علیه ایران، منشور سازمان ملل متحد و اصول اساسی حقوق بین‌الملل، از جمله ممنوعیت قطعی استفاده از زور و ممنوعیت تجاوز را نقض کرده است.

وی گفت: ایالات متحده با هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، پل‌ها، اماکن ورزشی و سایر زیرساخت‌های ضروری، مرتکب نقض‌های فاحش قوانین بین‌المللی بشردوستانه، از جمله جنایات جنگی، شده است. حمله به مدرسه میناب نمونه‌ای غم‌انگیز و غیرقابل انکار از این جنایات است.

درزی عنوان کرد: رئیس‌جمهوری ایالات متحده و دیگر مقامات ارشد آشکارا به ارتکاب این جنایات فجیع اذعان کرده و حتی به آنها افتخار کرده‌اند. چنین اظهاراتی گواه دیگری بر مسئولیت آنهاست. ایالات متحده مسئولیت کامل بین‌المللی را برای اعمال غیرقانونی بین‌المللی خود بر عهده دارد. کسانی که مسئول این جنایات فاحش هستند، دیر یا زود، در برابر نهادهای قضائی ذی‌صلاح بین‌المللی پاسخگو خواهند بود.

وی تاکید کرد: هیچ‌کس فراتر از قوانین بین‌المللی نیست و هیچ مصونیتی وجود نخواهد داشت. جامعه بین‌المللی و شورای امنیت نباید اجازه دهند این جنایات عادی‌سازی شوند. سکوت و عدم مجازات تنها موجب تشویق به تکرار این اقدامات خواهد شد.

سفیر ایران در سازمان ملل در ادامه گفت: تمامی اقدامات ایران ماهیتی دفاعی، ضروری و منطبق با حقوق بین‌الملل دارد. ریشه‌های وضعیت فعلی روشن است: اقدامات غیرقانونی مستمر ایالات متحده تهدیدی جدی برای ثبات منطقه‌ای، آزادی دریانوردی و امنیت خلیج‌فارس و تنگه هرمز است.

به گزارش تسنیم، وی افزود: جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، حق ذاتی خود در دفاع از خود را اعمال کرده است و به اعمال آن ادامه خواهد داد تا از مردم خود حفاظت و در برابر اقدامات تجاوزکارانه ایالات متحده، از حاکمیت، تمامیت ارضی و منافع حیاتی ملی خود دفاع و صیانت کند.

جامعه‌شناس عضو هیئت علمی دانشگاه تهران:

تشییع امام شهید یک «تمرین تمدنی» و اتحاد ملت‌ها در قالب «امت اسلامی» بود

جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: برای قرن‌ها، جهان مدرن بر پایه «ملت‌های دولت‌محور» سازماندهی شده بود؛ ساختاری که در آن، مرزهای سیاسی هویت‌های جمعی را تعریف و محدود می‌کردند. اما آنچه در این تشییع رخ داد، نشان از بلوغ فرآیند فرو ریختن تدریجی مرزهای ملت‌ها و اتحاد آن‌ها در قالب «امت اسلامی» بود. مردم با حضور خود، نه به‌عنوان «شهروندان ایرانی» که به‌عنوان «امت اسلامی» و «وارثان یک تمدن جهانی» عمل کردند.

حامد حاجی‌حیدری، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با فارس در بررسی و تحلیل تشییع تاریخی امام شهید گفت: فکر می‌کنم رسانه‌های جهان هم از کلیشه‌های معمول خود در توصیف وقایع ایران خارج شدند و ناخواسته و واقعاً ناخواسته، این تشییع را متفاوت پوشش دادند. در کوران برگزاری جام جهانی در آمریکا و جشن ۲۵۰سالگی کشور منحوس آمریکا، خبر تشییع رهبر شهید ما، تیتر یک و دقیقاً تیتر یک معتبرترین مطبوعات و خبرگزاری‌های غرب بود. آنان حتی کلیشه‌های خود در پوشش رویدادهای تشییع را مراعات نکردند و من فکر می‌کنم که تشییع ایرانی منطق خود را حتی به زاویه دید دوربین‌ها و قلم گزارشگران تحمیل کرد.

وی اظهار داشت: رویدادهای تشییع، معمولاً رویدادهای «پایانی» هستند که به گذشته تعلق دارند. مراسم، یک نقطه پایان است؛ پایان یک زندگی، پایان یک دوران، پایان یک روایت؛ سوگواران به پشت سر می‌نگرند؛ برای ازدست‌رفته‌ها اشک می‌ریزند؛ و پس از پایان مراسم، به زندگی عادی خود بازمی‌گردند. تشییع هکتور در ایلیاد، یک مراسم بود. تشییع مارتین لوتر کینگ، یک مراسم بود. در این‌ها، مردم برای بدرقه یک «پایان» گرد هم آمدند و پس از آن، هرکسی به راه خود رفت. اما برای همه مردم دنیا و حتی رسانه‌های مسلط آشکار بود که این بدرقه تازه یک آغاز هست. لحن مهم‌ترین روزنامه جهان، یعنی نیویورک تایمز این بود که این تشییع دارد آینده را می‌سازد؛ افق‌های تازه می‌گشاید؛ و شبکه‌ای از معنا و کنش را فعال می‌کند. پس از این قرار، سه نکته شایسته توجه هست: نخست این که تشییع، برای «تجدید بیعت با یک آرمان زنده» برگزار شد. مردمی که در خیابان‌ها حضور یافتند، با انرژی‌ای که در تصاویر جهان بازتاب قابلی یافت، دنبال ایجاد یک «امتداد تاریخی» بودند. این برای ما ایرانی‌ها، چیز تازه‌ای نیست. ما وقتی به تشییع امام خمینی(ره) هم رفتیم، حرف اصلی‌مان این بود که امام راهت ادامه دارد. وقتی به تشییع شهید سلیمانی یا شهید رئیسی و کلاً وقتی به تشییع هر شهید رفتیم، همین ذهنیت را داشتیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: جنبه دوم این بود که این تشییع، «زمان» را در خط یک «چرخه استعلایی حسینی» بازتعریف کرد. زمان در جهان مدرن، خطی است که از گذشته به آینده می‌رود و مرگ، پایان این خط است. اما در این تشییع و اساساً در تشیع، زمان از خطی بودن خارج شده و به یک چرخه استعلایی که هر سال باز می‌گردد و لااقل دو ماه تمام فضائل یک سال را به خود اضافه می‌کند و دوباره ادامه می‌دهد تبدیل شد. درست است که هر سال بازمی‌گردد و تکرار می‌شود ولی هر بار، چندین پله بالاتر ادامه می‌دهد. در این افق، هر شهادت تازه بر عمق درک مردم از شهادت اصلی یعنی شهادت امام حسین علیه‌السلام اضافه می‌کند و تعمیق می‌بخشد. مرگ در این الگو، پایان نیست؛ «پله‌ای است برای عبور از تاریخ» و «تولید حیات مضاعف» چند پله بالاتر. و در نتیجه، جنبه سوم این بود که تشییع، یک «بسیج و احضار عواطف حسینی» بود که بر زمینه‌های نهادی عمیقاً ریشه‌دار در تاریخ ما مستقر بود و بدون ضرورت هیچ فراخوان اداری و سازمان‌دهی متمرکز، می‌توانست و توانست میلیون‌ها انسان را در دو کشور و چند شهر به خیابان‌ها بکشاند. این سطح از مشارکت داوطلبانه، ریشه در «شبکه‌ای خودزا و تاریخی» دارد که در طول چهارده قرن با هر تکرار عاشورا، تقویت شده و بر دامنه و عمق آن افزوده شده است.

حاجی‌حیدری در پاسخ به این سؤال که تشییع امام شهید در تهران، نجف، کربلا، قم و مشهد برگزار شد، این امتداد جغرافیایی چه معنایی دارد؟ آیا می‌توان آن را نشانه شکل‌گیری یک امت و هویت فراملی دانست؟ بیان داشت: این امتداد جغرافیایی برای من، یک «نقشه امت» را ترسیم می‌کند؛ این نقشه‌ای است که در صدر تاریخ تشیع با هجرت رضوی به شرق گشوده شد و از همان زمان، خراسان را به عنوان افق موعود ترسیم کرد. یک پیوستار «حسینی-رضوی-موعود» درست شد. هجرت اجباری امام رضا(ع) از مدینه به مرو، یک «ترجمه گسترش‌یابنده» در شبکه تاریخ تشیع بود. تشیع تا پیش از آن، یک هویت حاشیه‌ای و عمدتاً عربی داشت؛